

## مقررات حاکم بر منابع آب‌های زیرزمینی (چاه‌ها) در ایران

سید ناصرالدین بدیسار<sup>۱\*</sup> و سید محمد صادق احمدی<sup>۲</sup>

### چکیده

کمبود منابع آبی و خشک‌سالی‌های پی‌درپی، از مهم‌ترین مشکلات ناشی از تغییرات اقلیمی و فعالیت‌های دولت‌ها است که بدون شک در آینده موجب اختلافات بسیار زیادی خواهند شد. بحران آب در سطح جهانی و تلاش دولت‌ها برای مبارزه با خشک‌سالی و قحطی و آثار ناشی از آن، دولت‌ها را بر آن داشته است تا نهایت تلاش خود را برای کنترل و استفاده از منابع آب‌های زیرزمینی به کار گیرند. آب‌های زیرزمینی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین منابع آبی در سطح کشور، تأمین‌کننده عمده آب شرب، کشاورزی، صنعت و غیره است و نقش مهمی در شکوفایی اقتصاد کشور داشته و دارد. سیر تاریخی تغییرات قوانین آب از سال ۱۳۰۷ تاکنون، نه تنها متناسب با شرایط روز نبوده، بلکه موجب افزایش تخلفات و کاهش قدرت و اقتدار حاکمیت بر آب نیز شده است. روندی که با قانون توزیع عادلانه آب و قوانین بعدی شروع و تقویت شده است، موجب گردیده که علی‌رغم تعیین تکلیف تعداد زیادی از چاه‌های غیرمجاز طی سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۴، هنوز در شرایط کنونی بیش از ۲۵۰ هزار حلقه چاه غیرمجاز موجود بوده و انگیزه برای تداوم این اقدام و افزایش تخلفات، وجود داشته باشد. علی‌رغم وجود ضعف‌هایی در قانون‌گذاری، از ظرفیت و اختیارات قوانین موجود نیز به خوبی استفاده و قسمت قابل توجهی از اهداف و مقاصد قانون‌گذار تأمین نشده است. این مقاله با هدف بررسی مقررات حاکم منابع آب‌های زیرزمینی (چاه‌ها) و به روش توصیفی - تحلیلی به رشته تحریر در آمده است.

**واژه‌های کلیدی:** پروانه بهره‌برداری، چاه‌ها، مقررات، منابع آب زیرزمینی، مالکیت، مناطق ممنوعه.

ارجاع: بدیسار س. ن و احمدی س. م. ص. ۱۳۹۷. مقررات حاکم بر منابع آب‌های زیرزمینی (چاه‌ها) در ایران. مجله پژوهش آب ایران. ۲۹: ۷۱-۸۰.

۱- دانشجوی دوره دکتری حقوق عمومی، واحد اصفهان (خوراسگان) دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان.

۲- استادیار گروه حقوق عمومی، واحد اصفهان (خوراسگان) دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان.

\* نویسنده مسئول [naserbadisar@yahoo.com](mailto:nasrbadisar@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۰۹

## مقدمه

مدنی (که مالکیت خصوصی افراد بر منابع آب زیرزمینی ولو به صورت غیروابسته به زمین را تأکید و تصرفات مالک را تضمین کرده است)، اقدام به ثبت و صدور سند برای قنات‌ها کرد. در سال ۱۳۴۵ در تکمیل تصویب‌نامه حفظ و حراست از آب‌های زیرزمینی سال ۱۳۴۲ با وضع «قانون حفظ و حراست از منابع آب زیرزمینی»، وزارت آب و برق مسئول حفظ و حراست از منابع و ذخایر آب زیرزمینی و نظارت بر کلیه امور مربوط به آن شد. به دلیل کامل نبودن قوانین مذکور و عدم تناسب آن با شرایط روز کشور، با اجماع متخصصان، این خلا با وضع قانون آب و شیوه ملی شدن آن در سال ۱۳۴۷ به طور شایسته‌ای رفع شد؛ به طوری که با مسامحه می‌توان این قانون را قانون جامع، مانع و تالی قانون مدنی دانست. فصل سوم این قانون با ماده ۱۷ به آب‌های زیرزمینی اختصاص یافته و تحول بزرگ این قانون، ظهور نظام حقوق آب مبتنی بر صدور مجوز بهره‌برداری است.

قانون توزیع عادلانه آب مصوب سال ۱۳۶۱ در ابتدا به صورت طرح قانونی نه چندان قوی به مجلس شورای اسلامی ارائه شد و در نهایت با عنوان قانون توزیع عادلانه آب به تصویب مجلس رسید؛ البته این روند آغازین، با هدف مشروح مذکور سبب می‌شود که نه تنها در قانون سال ۱۳۶۱ بلکه در دو قانون دیگر حوزه آب در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۹ یعنی در هر سه قانون به توجیه عدم دستیابی مجریان به اهداف مستقر در قوانین قبلی و مشروعیت بخشیدن به حفاری‌های غیرمجاز نظر داشته و پرداخته‌اند (مظاهری و عبدالمنافی چهرمی، ۱۳۹۴).

## دیدگاه‌های حقوقی پیرامون مقررات حاکم بر

## مالکیت آب‌های زیرزمینی

قانون مدنی به تأسی از فقه، آب‌های عمومی را از جمله مشترکات (مباحات اصلیه) دانسته‌اند و هر کس به قصد تملک آن‌ها را حیات کند، مالک آن‌ها می‌شود. آب‌هایی هم که در زیر اراضی اشخاص قرار دارند به موجب قواعد فقهی و قانون مدنی، ملک صاحب زمین و در زمره اموال خصوصی محسوب می‌شوند. در سال ۱۳۴۷ قانون‌گذار با درک شرایط ناشی از تغییرات اقلیمی و بحران‌های ناشی از کمبود آب و در نتیجه لزوم حفاظت از این منابع، با تصویب قانون آب و نحوه ملی شدن آن، آب‌ها اعم از سطحی و زیرزمینی را به‌عنوان ثروت ملی ذکر و در ماده

آب، به مثابه مایه حیات، مسیر تاریخ زندگی انسان را تحت تأثیر جدی قرار داده است. فراوانی آب جوامع را قادر کرده است تا به شکوفایی و پیشرفت دست یابند و بر عکس، کمبود آب باعث شده که جوامع دچار رکود و پسرفت شوند. هیچ شخصی یا تفکری نمی‌تواند نقش تعیین‌کننده آب را در سرنوشت جوامع نادیده انگارد. در هیچ جامعه‌ای قانون‌گذار نمی‌تواند نسبت به سرنوشت آن بی‌اعتنا باشد. افزایش جمعیت جهان، گسترش زمین‌های کشاورزی و توسعه صنعتی و وقوع خشک‌سالی در برخی نقاط جهان از عوامل مهم روی آوردن دولت‌ها به استفاده بیشتر از آب‌های زیرزمینی بوده است. در کشور ایران که در بخش نیمه‌خشک کره خاکی قرار گرفته است، آب ارزشی بس والاتر از مناطق پر آب دارد و آب و اجداد ما به اهمیت این امر واقف و در بهره‌گیری و استفاده شایسته و مطلوبی از آن، به مراتب حساس‌تر و کوشاتر بوده‌اند. نبود فنی برای استحصال آب از اعماق زمین آن‌ها را از تلاش باز نداشته و تلاش روزافزون آن‌ها در دستیابی به منابع آب‌های زیرزمینی از طریق حفر چاه و قنات نشانگر کوششی وافر در استفاده از این منابع حیات‌بخش بوده است. در این مقاله به بررسی مقررات حاکم بر منابع آب‌های زیرزمینی (چاه‌ها) در ایران پرداخته می‌شود.

## سیر تاریخی تغییرات در قوانین آب‌های زیرزمینی

از سال ۱۳۰۰ شمسی کشور ایران ورود نوینی به عرصه قانون‌گذاری به‌ویژه در موضوعات آب را تجربه می‌کند. قانون مدنی ایران، اولین قانون مدون ایران در مباحث منابع آب زیرزمینی است که بر اساس قواعد کهن عرفی و شرعی در سال ۱۳۰۷ با اقتباس از فقه امامیه، در ابتدا آب زیرزمینی را از اموال مباح برشمرده و دوم به اشخاص این اختیار را داد تا به مالکیت خصوصی بر منابع آبی دست یابند؛ لذا در قانون مدنی، مالکیت آب خصوصی و تنها محدود به قاعده لاضرر است و حرفی از نظارت یا مالکیت دولت در بین نیست.

برای ساماندهی امور مربوط به بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی، قانون راجع به قنات‌ها مصوب سال ۱۳۰۹ و قانون تکمیل قانون قنات‌ها مصوب سال ۱۳۱۳ مشتمل بر ۹ ماده وضع شده است. قانون ثبت مصوب سال ۱۳۱۰ و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب سال ۱۳۱۷ با استناد به قانون

روز مجاز اعلام شده است. (رشیدی، ۱۳۸۲).

### تکلیف قانونی برای اخذ پروانه آب‌های زیرزمینی

بر طبق ماده ۳ قانون توزیع عادلانه آب «استفاده از منابع آب‌های زیرزمینی به استثنای موارد مذکور در ماده ۵ این قانون از طریق حفر چاه و قنات و توسعه چشمه در هر منطقه از کشور با اجازه و موافقت وزارت نیرو باید انجام شود و وزارت نیرو با توجه به خصوصیات هیدروژئولوژی منطقه (شناسایی طبقات زمین و آب‌های زیرزمینی) و مقررات پیش‌بینی شده در این قانون نسبت به صدور پروانه حفر و بهره‌برداری اقدام می‌کند.» همان‌طور که از ماده ۳ قانون توزیع عادلانه آب استنباط می‌شود استفاده از آب‌های زیرزمینی چه از طریق حفر چاه و چه به وسیله احداث قنات، باید با اجازه و موافقت وزارت نیرو (شرکت‌های آب منطقه‌ای) باشد. ماده ۳ همان ماده ۲۳ قانون سابق است و چاه‌های تا ۲۵ مترمکعب را که در قانون سابق هم نیز نیازی به کسب جواز نداشت، مستثنی کرده است.

### بررسی موازین حاکم بر چاه‌های خانگی

استثنای ماده ۵ قانون درباره حفرچاه و استفاده از آب برای مصارف خانگی است، مشروط بر این‌که ظرفیت آبدهی آن از ۲۵ مترمکعب در شبانه روز تجاوز نکند. در مناطق غیرممنوعه با این‌که نیاز به صدور پروانه حفر و بهره‌برداری نیست؛ اما مراتب باید به اطلاع وزارت نیرو برسد و حق بازرسی از این چاه‌ها برای وزارت نیرو به منظور بررسی آب‌های منطقه و جمع‌آوری آمار و مصرف آن پیش‌بینی شده است. وزارت نیرو در موارد لازم می‌تواند از این نوع چاه‌ها به منظور بررسی آب‌های منطقه و جمع‌آوری آمار و مصرف آن بازرسی کند.

اگرچه طبق ماده ۳ قانون هرگونه حفر مربوط به چاه و قنات باید با اجازه و موافقت وزارت نیرو باشد، قانون‌گذار با تصویب ماده ۵ به‌عنوان استثناء، چاه‌هایی را که برای مصرف خانگی، شرب، بهداشتی و باغچه تا ظرفیت آبدهی ۲۵ مترمکعب در شبانه‌روز حفر می‌شوند، را از داشتن پروانه معاف کرده است که این موارد در منطقه غیرممنوعه فقط با اطلاع شرکت‌های آب منطقه‌ای به نمایندگی از وزارت نیرو انجام می‌شود.

۹ صدور سند رسمی برای مالکیت آب را ممنوع اعلام کرد. در سال‌های پس از انقلاب نیز با تصویب قانون توزیع عادلانه آب، قانون‌گذار با اندک تفاوتی نسبت به قانون آب و نحوه ملی شدن آن، آب‌ها را از مشترکات دانسته و در اختیار حکومت اسلامی قرار داد. به عقیده برخی از صاحب‌نظران با تصویب قانون ملی شدن آب مواد ۱۴۹ به بعد قانون مدنی منسوخ و مسأله تملک آب منتفی است (لنگرودی، ۱۳۹۱) در مقابل، برخی دیگر از استادان بر این عقیده‌اند که قانون توزیع عادلانه آب ناسخ قانون مدنی نشده است؛ ولی استفاده از آب‌ها باید با اذن و اجازه وزارت نیرو باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۷).

قواعد مذکور همگی بیانگر این نکته هستند که قانون‌گذار در قانون توزیع عادلانه آب نه تنها قواعد راجع به مالکیت خصوصی اشخاص بر آب را نسخ نکرده بلکه آن را نیز تأیید کرده است. با این حال تصور مالکیت بر آب‌ها در قانون توزیع عادلانه آب به معنای مالکیت مطلق و بی‌حساب مالکین نیست. قانون‌گذار اختیار مالکین را به مرز «مصرف معقول» و مشخص محدود کرده است. مازاد آب باید با نظارت دولت به مصرف برسد؛ لذا صاحب چاه نمی‌تواند آب را که از ثروت ملی حیانت کرده است و زیاده‌تر از مصرف اوست، تفریط کند یا به بهایی که قانون عرضه و تقاضا معین می‌کند بفروشد یا خریداران را خود برگزیند. دولت به‌عنوان توزیع‌کننده عادلانه این ثروت، آن را به بهاء متعادل در اختیار مصرف‌کنندگان منتخب خود قرار می‌دهد و قیمت عادلانه را به صاحب چاه می‌پردازد؛ ولی در این اقدام عمومی معیار درستی کار دولت «ضرورت اجتماعی» و «مصلح عمومی» و نه سودجویی یا ارضاء هدف‌های شخصی است (هنری لطیف‌پور، ۱۳۹۴).

### قواعد مربوط به آزادی حفر چاه

از مجموعه قوانین و مقررات آب، از جمله قانون حفظ و حراست منابع آب‌های زیرزمینی کشور مصوب ۱۳۴۵/۳/۱؛ اصل آزادی حفر چاه مستفاد می‌شود مگر آنکه بعد محدودیت یا ممنوعیت منطقه یا ناحیه از سوی وزارت نیرو اعلام شود؛ بدین عبارت که در هیچ منطقه یا ناحیه‌ای نمی‌شود بدون اجازه، حفر چاه یا قنات کرد. در ماده ۵ قانون توزیع عادلانه آب نیز در مناطق غیرممنوعه، حفر چاه و استفاده از آب آن برای مصارف خانگی، شرب، بهداشتی و باغچه تا ظرفیت آبدهی ۲۵ مترمکعب در شبانه

شرکت‌های آب منطقه‌ای هر استان، پروانه حفر چاه یا احداث قنات و بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی برای کلیه مصارف دریافت کنند. (ماده ۳ قانون توزیع عادلانه آب) همچنین در این مناطق استفاده از منابع آب زیرزمینی تا سقف ۲۵ مترمکعب در شبانه‌روز برای مصارف خانگی، شرب، بهداشت و باغچه نیاز به اخذ مجوز ندارد و اشخاص می‌توانند تا سقف مذکور، تنها به صرف اطلاع به وزارت نیرو استفاده کنند. (ماده ۵ قانون توزیع عادلانه آب) در این قسمت به منطقه ممنوعه پرداخته می‌شود:

### ۱۱ مناطق ممنوعه و منع موقت حفر چاه، قنات و

#### افزایش بهره‌برداری

وزارت نیرو می‌تواند بنا بر تشخیص خود در مناطقی که مقدار بهره‌برداری از منابع آب‌های زیرزمینی بیش از حد مجاز باشد یا در مناطقی که طرح‌های دولتی ایجاب کندف با حدود جغرافیایی مشخص حفر چاه عمیق یا نیمه‌عمیق یا قنات یا هرگونه افزایش در بهره‌برداری از منابع آب منطقه را برای مدت معین ممنوع اعلام کند (ماده ۴ قانون توزیع عادلانه آب).

لذا مناطقی بنا به تشخیص شرکت آب منطقه‌ای محل، ممنوع اعلام می‌شود که بر اثر افزایش مقدار برداشت از آب‌های زیرزمینی یا کاهش بارندگی و تغذیه نشدن منابع آب زیرزمینی، سطح آب بیش از حد پایین برود؛ به گونه‌ای که بعضی از چاه‌ها نیز در خطر خشکیدن قرار بگیرد. در این مناطق به هیچ وجه اجازه احداث منبع آب جدید (چاه، قنات و غیره) داده نمی‌شود و این ممنوعیت تا رفع وضع بحرانی آب ادامه می‌یابد (گردوانی، ۱۳۸۷).

ماده ۴ قانون توزیع عادلانه آب، همان ماده ۲۴ قانون سابق است که در آن به وزارت نیرو اجازه داده شده بود در مناطقی که سطح آب زیرزمینی در حال پایین رفتن است، با حدود جغرافیایی مشخص حفر چاه عمیق یا نیمه عمیق یا قنات را ممنوع کند و در قانون فعلی ضمن اضافه شدن «افزایش بهره‌برداری» به وزارت نیرو اجازه داده شده است که در صورت تشخیص، حفر چاه یا قنات یا افزایش بهره‌برداری را در حدود جغرافیایی مشخص برای مدت معین ممنوع کند و بدیهی است در صورتی که اشخاص با وجود ممنوعیت منطقه به حفر چاه اقدام کنند، عمل آن‌ها مشمول بند ه ماده ۴۵ قانون توزیع عادلانه آب می‌شود که می‌گوید: هرکس بدون رعایت مقررات این قانون به حفر

حفر چاه موضوع ماده ۵ قانون توزیع عادلانه آب احتیاج به تقاضای پروانه حفر و بهره‌برداری ندارد و حتی لزومی به اطلاع کتبی موضوع قبل از حفر به وزارت نیرو یا شرکت آب منطقه‌ای مربوطه نیست؛ ولی به نظر می‌رسد اطلاع مراتب قبل از حفر چاه به وزارت نیرو یا شرکت آب منطقه‌ای مربوط ضروری است؛ زیرا ممکن است اولاً چاه دیگری در مجاورت چاه حفر شده با ظرفیت بهره‌برداری ۲۵ مترمکعب در شبانه روز حفر شود که آب چنین چاه‌هایی را کاهش دهد، در چنین مواردی باید تقدم و تأخر حفر چاه‌ها معلوم باشد و چون تاریخ صدور پروانه معمولاً ملاک تقدم و تأخر است و چاه‌های ماده ۲۵ (ماده ۵ ق.ت.ع.آ) بدون پروانه هستند؛ بنابراین لازم است که حفر چاه موضوع ماده ۲۵ (ماده ۵ ق.ت.ع.آ) کتبی به اطلاع شرکت‌های آب مربوطه برسد و حتی‌الامکان با حضور نماینده شرکت‌های مزبور صورت جلسه بهره‌برداری تنظیم تا در مواقع لازم بتوان به دلایل و مدارک مربوط استناد کرد (بابائی، ۱۳۵۹).

در صورتی که این تفاوت حاصل شود و حفر چاه ۲۵ مترمکعبی موجب کاهش یا خشکانیدن آب چاه یا قنات مجاز یا چشمه مجاور شود، نقش وزارت نیرو میانجی‌گری است؛ زیرا در تبصره ۲ ماده ۵ آمده است: «وزارت نیرو بدو به موضوع رسیدگی و سعی در توافق بین طرفین می‌کند و چنانچه توافق حاصل نشد، معترض می‌تواند به دادگاه صالح مراجعه نماید.» ولی در مناطق ممنوعه، حفر چاه باید با موافقت کتبی وزارت نیرو باشد (تبصره ۱ ماده ۵).

البته موافقت وزارت نیرو مطابق با ماده ۱۴ آئین‌نامه اجرایی فصل دوم قانون مشروط به شرایط ذیل است:

- Ø محل مورد تقاضا مسکونی باشد؛
- Ø مساحت باغچه از دو هزار متر مربع تجاوز نکرده باشد؛
- Ø تأمین آب مصارف شرب، بهداشت و باغچه از طرف دیگر امکان‌پذیر نباشد.

#### موازن حقوقی حاکم بر مناطق ممنوعه

وزارت نیرو بر اساس مطالعاتی انجام شده، مناطق مختلف کشور را از لحاظ امکان بهره‌برداری آب‌های زیرزمینی، ر به دو منطقه ممنوعه و آزاد تقسیم کرده است. در مناطق آزاد اشخاص می‌توانند با ارائه درخواست کتبی به

اگر در موقع حفر یا بهره‌برداری به نحوی دچار نقص فنی شوند که رفع آن ممکن یا مقرون به صرفه نباشد، سازمان یا شرکت آب منطقه ای مربوطه می‌تواند بنا به درخواست متقاضی و تشخیص کارشناس و رعایت حریم منابع آب مجاور، اجازه حفر چاه دیگری را به جای چاه غیرقابل استفاده در نزدیک‌ترین محل ممکن به چاه قبلی صادر کنند (ماده ۱۳ آیین‌نامه) استفاده از تبصره ۲ ماده ۱۳ در صورتی که جابه‌جایی در فاصله کمتر از یکصد متر باشد، با موافقت کمیسیون صدور پروانه‌ها و بیش از یکصد متر منوط به موافقت و تأیید وزارت نیرو خواهد بود.

### چگونگی تعیین تکلیف چاه‌های آب بدون پروانه

#### بهره‌برداری

در آب‌های سطحی قانون‌گذار حقایقهایی را که تا قبل از تصویب قانون برای ملک یا مالک آن تعیین شده باشد، با لحاظ شرایط مورد نظر خود، به رسمیت شناخته و مورد حمایت قرار داده است؛ لکن در مورد آب‌های زیرزمینی چنین تصریحی در قانون توزیع عادلانه آب وجود ندارد. با بررسی تاریخچه تصویب قوانین آب ملاحظه می‌شود اولین قانونی که حفر چاه و قنات را موکول به اخذ مجوز از دولت کرده، قانون حفظ و حراست از آب‌های زیرزمینی مصوب ۱۳۴۲/۷/۱۴ است<sup>۱</sup>. قانون‌گذار در قانون آب و شیوه ملی شدن آن، چاه‌هایی را که قبل از تاریخ ۱۳۴۲/۷/۱۴ حفر شده باشد، را به رسمیت شناخته لکن ادامه استفاده از آن‌ها را موکول به تحصیل پروانه مصرف کرده است<sup>۲</sup>. همچنین در قانون آب و نحوه ملی شدن آن، امکان فروش آب مازاد بر نیاز مالک برای مصرف مفید، فقط در مورد چاه‌هایی که قبل از تاریخ تصویب قانون مذکور حفر شده‌اند، پیش‌بینی شده است (تبصره ذیل ماده ۲۸ قانون آب و نحوه ملی شدن آن).

در قانون توزیع عادلانه آب، قانون‌گذار در تبصره ذیل ماده ۳، صاحبان چاه‌هایی را که در گذشته بدون اخذ مجوز از وزارت نیرو حفر شده‌اند، مکلف به اقدام برای دریافت پروانه بهره‌برداری کرده است و مقرر می‌دارد در صورتی که چاه بنا بر تشخیص حداقل دو نفر از کارشناسان وزارت نیرو

چاه و یا قنات و یا بهره‌برداری از منابع آب مبادرت کند، علاوه بر اعاده وضع سابق و جبران خسارت وارده به ۱۰ تا ۵۰ ضربه شلاق و یا از ۱۵ روز تا سه ماه حبس تأدیبی بر حسب موارد جرم به نظر حاکم شرع محکوم می‌شود. آن‌گونه که از تبصره ماده ۴۵ مستفاد می‌شود این بند تنها بندی است که با گذشت شاکی خصوصی، تعقیب موقوف نمی‌شود.

پس ایجاد منطقه‌ی ممنوعه منوط به شرایط زیر است:

Ø تعیین حدود جغرافیایی مشخص؛

Ø مدت معین، به تشخیص عرف؛

Ø فزونی بهره‌برداری از حد مجاز یا ضرورت اجرای طرح‌های دولتی.

تجاوز از هر یک از شرایط، ممکن است منتهی به ابطال تصمیم وزارت نیرو از سوی دیوان عدالت اداری شود؛ بدین ترتیب که اشخاص زیان‌دیده از این تصمیم ابطال آن را از دیوان بخواهند و پس از رسیدگی احراز شود که به قانون تجاوز شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۲).

#### ۵ مستثنیات منطقه ممنوعه

صدور پروانه حفر چاه در مناطق ممنوعه برای اجرای طرح‌های صنعتی و عمرانی دولت با تصویب وزارت نیرو و تأمین آب شرب شهرها، شهرک‌ها و روستاها به پیشنهاد وزارتخانه‌های مربوطه یا سازمان‌های تابعه آن‌ها و همچنین تأمین آب مورد نیاز واحدهای صنعتی، شرب، بهداشت دامداری‌ها و مرغداری‌ها با ارائه پروانه از مراجع ذیربط بر مبنای امکانات آبی محل و تصویب وزارت نیرو امکان‌پذیر خواهد بود (ماده ۱۲ آیین‌نامه).

در مناطق ممنوعه همچنین استفاده از منابع آب زیرزمینی برای مصارف خانگی، شرب، بهداشت و باغچه تا سقف ۲۵ مترمکعب نیاز به اخذ مجوز حفر و بهره‌برداری چاه ندارد؛ لکن باید موافقت کتبی وزارت نیرو اخذ شود. در مناطق ممنوعه موافقت با بهره‌برداری از چاه‌های ۲۵ مترمکعبی موضوع تبصره ۱ ماده ۵ قانون توزیع عادلانه آب مشروط به این است که محل مورد تقاضا مسکونی باشد، مساحت باغچه از دو هزار متر مربع تجاوز نکرده و تأمین آب مصارف شرب و بهداشت و باغچه از طریق دیگر ممکن نباشد (ماده ۱۴ آیین‌نامه).

چاه‌های مجازی که در مناطق ممنوعه مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند یا چاه‌هایی که پروانه حفر آن‌ها صادر شده

۱- این قانون در تاریخ ۱۳۴۲/۷/۱۴ به جهت تعطیلی مجلس به تصویب هیئت وزیران رسیده و از آن تاریخ قابلیت اجرا داشته است لیکن پس از آغاز فعالیت مجلسین در تاریخ ۱۳۴۵/۰۳/۰۱ به تصویب مجلس سنا رسیده است.

۲- مفهوم مخالف تبصره ۲ ذیل ماده ۲۳ ق.آ و همچنین تبصره ۱ ذیل ماده ۲۳ قانون مذکور

صراحت ماده مبین انجام اقدامات (تعیین تکلیف) توسط وزارت نیرو است و معلوم نیست منظور از تعیین تکلیف، تشکیل پرونده و بررسی موضوع بوده یا نظر مقنن خاتمه پرونده‌های متشکله است (ذوالفقاری، ۱۳۹۰). لکن با توجه به عدم اطلاع دارندگان چاه‌ها یا دلایل دیگر برخی از چاه‌های مذکور تعیین تکلیف نشدند.

با توجه به حفر چاه‌های آب کشاورزی که از قبل حفر شده و هم اکنون فعال و بدون پروانه هستند و به منظور احقاق حق صاحبان آنها که به دلیل بی اطلاعی تاکنون موفق به اخذ پروانه نشده‌اند و محکوم به انسداد چاه‌ها، محرومیت از سهمیه سوخت و ضرر و زیان فراوان شده‌اند، طرح تعیین تکلیف آب بدون پروانه بهره‌بردار با هدف حل مشکل کشاورزان و افزایش عملکرد تولید تهیه شد.

در سال ۱۳۸۹ «طرح یک فوریتی تعیین تکلیف چاه‌های آب بدون پروانه بهره‌بردار» در مجلس مطرح و به تصویب رسید و بدین ترتیب بار دیگر مقنن به قانون‌شکنان و متمرّدین از هنجارهای قانونی امتیاز اعطاء کرد و ترتیباتی فراهم شد تا چاه غیرمجاز آن‌ها تبدیل به چاه پروانه‌دار شود و با این وصف اشخاصی که چاه غیرمجاز حفر نکردند، بدون چاه و پروانه ماندند (ذوالفقاری، ۱۳۹۰).

نکته بارز دربارهٔ قانون تعیین و تکلیف این است که برای نخستین بار ده‌ها هزار بهره‌بردار مختلف لزومی به بهره‌گیری از قانون برای کسب مجوز قانونی ندیدند؛ زیرا متخلفان ظرف سه دهه به تجربه دریافته‌اند که قانونمند شدن چاه موجب نظارت دولت بر سرنوشت ایشان و مزاحمت‌های بی‌پایان بر ایشان خواهد شد. این روندی است که با قانون توزیع عادلانه آب و قوانین بعدی شروع و تقویت شده است.

درخصوص قانون «تعیین تکلیف چاه‌های غیرمجاز» نیز موضوع از این قرار بود که وزارت نیرو به دنبال اصلاح مادهٔ ۴۵ قانون توزیع عادلانه آب بودند تا بتوانند با صاحبان چاه‌های غیرمجاز برخورد جدی تری داشته باشند، چرا که مجازات لحاظ شده در قانون با میزان جرم سنخیت نداشت؛ لذا کمیسیون کشاورزی به وزارتخانه مهلت یک ماهه برای ارائه یک لایحه را داد؛ ولی متأسفانه دو هفته بعد از جلسه، یک طرح از سوی نمایندگان در مجلس مطرح می‌شود که درنهایت منجر به تصویب این قانون شد.

مضر به مصالح عمومی باشد، بدون پرداخت خسارت مسدود خواهد شد. در خصوص تبصره مذکور ذکر دو نکته ضروریست: ۱- ظاهر تبصره مذکور نشان می‌دهد که قانون‌گذار صرفاً نظر بر چاه‌هایی داشته که پس از تاریخ تصویب اولین مقررات الزام‌آور (۱۳۴۲/۷۰/۱۴) حفر شده باشند و در خصوص چاه‌هایی که قبل از تاریخ مذکور حفر شده‌اند ساکت است؛ زیرا منطق حکم مربوط به زمانی است که استفاده از منابع آب زیرزمینی نیاز به اخذ مجوز داشته است. ۲- مفهوم مضر به مصالح عمومی در قانون تعریف نشده و مشخص نیست چه استفاده‌ای از نظر قانون‌گذار مضر به مصالح عمومی خواهد بود؛ لذا با سابقه‌ای که از دیدگاه شورای نگهبان در خصوص حفظ حقوق دارندگان حقابه از آب‌های سطحی وجود دارد، به گونه‌ای که حفظ حقوق ایشان را لازم دانسته‌اند، می‌توان گفت اولاً به موجب مقررات قانون توزیع عادلانه آب صاحبان چاه‌هایی که قبل از تاریخ ۱۳۴۲/۷/۱۴ حفر شده‌اند، می‌توانند بدون نیاز به اخذ مجوز به استفاده خود ادامه دهند و قانون‌گذار حقوق صاحبان اینگونه چاه‌ها را بر اساس مقررات قانون مدنی مورد شناسایی قرار داده است.<sup>۱</sup> ثانیاً ادامه فعالیت چاه‌هایی که پس از تصویب اولین قانون الزام‌آور در اخذ مجوز حفر شده‌اند نیز در صورتی که مضر به مصالح عمومی نباشند، بلامانع است.

با تصویب قانون الحاق یک ماده به قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۸۴/۰۴/۱۲، تبصره ذیل ماده ۳ قانون توزیع عادلانه آب حذف و مقرر شد وزارت نیرو موظف است چاه‌های بدون پروانه حفر شده در مناطق ممنوعه قبل از تصویب قانون توزیع عادلانه آب، موضوع تبصره ذیل ماده ۳ قانون مذکور را تا پایان سال ۱۳۸۴ تعیین تکلیف کند؛ لذا با تصویب قانون مذکور قانون‌گذار فرصتی را برای مشروعیت بخشیدن به چاه‌های حفر شده از تاریخ ۱۳۴۲/۷/۱۴ تا تاریخ تصویب قانون توزیع عادلانه آب فراهم کرد (هنری لطیف‌پور، ۱۳۹۴).

البته اجرای این قانون نیز دارای مسائل و مشکلاتی است؛ زیرا در این قانون مقرر شده است وزارت نیرو تا پایان سال ۱۳۸۴ در خصوص این‌گونه چاه‌ها تعیین تکلیف کند.

۱- البته پذیرش این نظر در شرایط کنونی وضعیت بحرانی آب‌های زیرزمینی به صلاح نیست و در عمل نیز مالکین کلیه چاه‌ها اعم از قدیمی و جدید ملزم به اخذ پروانه بهره‌بردار از چاه خود شده‌اند.

داشتند و تنها مشکل موجود برای آن‌ها، نداشتن پروانه بود. لکن سایر چاه‌ها به دلیل نداشتن شرایط لازم حتی در صورت اخذ پروانه نیز مطابق با قانون مجاز به فعالیت نخواهند بود و به دلایل بیان شده از سوی شورای نگهبان صدور پروانه برای این دسته از چاه‌های غیرمجاز، غیرشرعی و مخالف اصل چهلم قانون اساسی بود. برای رفع مغایرت عبارت "با رعایت حریم چاه‌های مجاز و عدم اضرار به دیگران" اضافه شد.

همچنین به منظور صیانت از سفره آب‌های زیرزمینی، وزارت نیرو مکلف است با تأمین هزینه از سوی مالکان چاه‌ها، حداکثر طی دو سال پس از تصویب این قانون نسبت به نصب کنتورهای هوشمند برای تحویل حجمی آب در کلیه چاه‌های آب کشاورزی اقدام کند (تبصره ۱).

وزارت نیرو مکلف است ظرف مدت پنج سال پس از تصویب این قانون و از محل منابع صرفه‌جویی حاصل از کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی ناشی از اجراء این قانون، نسبت به برقی کردن کلیه چاه‌های آب کشاورزی اقدام کند. (تبصره ۲) شرکت‌های آب منطقه‌ای مکلفند هر سه سال یکبار، مشروط به نبود تخلف از مفاد پروانه چاه توسط مالک یا مالکان، نسبت به تمدید پروانه بهره‌برداری چاه‌های آب کشاورزی در سراسر کشور اقدام کند (تبصره ۳). طبق تبصره ۲ ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون مفاد لازم الرعایه و موارد منجر به ابطال یا عدم تمدید پروانه توسط مالک یا مالکان در پروانه بهره‌برداری درج می‌شود.

از تاریخ تصویب این قانون هرگونه جابجایی چاه‌های دارای پروانه که مواجه به کاهش فاحش آبدی یا خشک شده است، فقط در اراضی آبخور اولیه چاه و حداکثر در محدوده اراضی مالک و مشروط به رعایت سایر ضوابط ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرائی فصل دوم قانون توزیع عادلانه آب و تبصره‌های ذیل آن و با تشخیص کمیسیون‌های رسیدگی به صدور پروانه‌ها مجاز است (تبصره ۴).

#### ۱۱ چالش‌های قانونی چاه‌های غیرمجاز

از بررسی سیر قوانین در صد سال اخیر می‌توان به چالش‌های قانونی زیر در شرکت‌های آب منطقه‌ای اشاره کرد.

✪ طولانی شدن رسیدگی به درخواست‌های واصله موضوع قانون تعیین تکلیف چاه‌های آب بدون پروانه بهره‌برداری.

بر اساس ماده واحده و تبصره‌های قانون تعیین تکلیف چاه‌های آب بدون پروانه بهره‌برداری؛ وزارت نیرو موظف است ضمن اطلاع‌رسانی فراگیر و مؤثر به ذی‌نفعان، طی دو سال تمام پس از ابلاغ این قانون، برای کلیه چاه‌های آب کشاورزی فعال بدون پروانه واقع در کلیه دشت‌های کشور که قبل از پایان سال ۱۳۸۵ هجری شمسی حفر و توسط وزارت نیرو و دستگاه‌های تابعه استانی شناسایی شده باشند و بر اساس ظرفیت آبی دشت مرتبط و با رعایت حریم چاه‌های مجاز و عدم اضرار به دیگران و عموم مشروط به اجراء آبیاری تحت فشار توسط متقاضی پروانه بهره‌برداری صادر کند.

شورای نگهبان اطلاق ماده واحده مصوب مجلس را از این حیث که عبارت "کلیه چاه‌های آب کشاورزی بدون پروانه" شامل چاه‌های غیرمجاز حفر شده در حریم چاه‌های مجاز دیگر می‌شود، مخالف موازین شرع تشخیص داد و از سوی دیگر چون اطلاق بیان شده در ماده واحده موجب اضرار به دیگران می‌شود، خلاف شرع و مغایر اصل چهلم قانون اساسی دانسته است. ایراد شورای نگهبان وارد بود در توضیح این ایراد می‌توان این گونه بیان کرد آنجا که چاه‌های غیرمجاز بر دو نوع هستند: چاه‌هایی که شرایط قانونی لازم را برای حفر و بهره‌برداری دارند؛ لکن صاحبان آنها به هر دلیل پروانه بهره‌برداری را اخذ نکرده‌اند و دسته دیگر از چاه‌های غیرمجاز علاوه بر نداشتن پروانه، شرایط قانونی حفر و بهره‌برداری را ندارند و از سوی دیگر ماده واحده مصوب مجلس، وزارت نیرو را مکلف کرده بود تا برای تمامی چاه‌های غیرمجاز اعم از اینکه چاه حفر شده شرایط قانونی حفر و بهره‌برداری را داشته باشد یا نداشته نباشد، پروانه صادر کند و در نتیجه این تکلیف، چاه‌های غیرمجازی که در حریم چاه‌های دیگر واقع هستند نیز پروانه اخذ خواهند کرد که این امر به دلیل عدم رعایت حقوق دارندگان چاه‌های مجاز از جمله عدم رعایت حریم چاه‌های متعلق به آنان مخالف شرع بود و از سوی دیگر صدور پروانه برای چاه‌های غیرمجازی که شرایط قانونی لازم برای اخذ پروانه را ندارند، از این حیث که موجب اختلال در بهره‌برداری قانونی دیگران و صدمه رسیدن به منابع عمومی می‌شود و در نتیجه موجبات اضرار به غیر را فراهم می‌کرد، مخالف شرع و قانون اساسی بود.

صدور پروانه برای آن دسته از چاه‌های غیرمجاز، متصور و معقول بود که شرایط لازم و قانونی برای بهره‌برداری را

Ø برخی از مالکین چاه‌های غیرمجاز و یا چاه‌های مجاز که اضافه برداشت دارند، با اجرای احکام قضایی بدون هرگونه ممانعت و اعتراضی کمال همکاری دارند و چاه خود را مسدود می‌کنند. مشخص گردید علت اصلی این کار همان عدم وجود قوانین بازدارنده و روند طولانی قضائی است و افراد با این اقدام (اجرای حکم) عملاً پرونده قبلی را مختومه می‌کنند و مجدد نسبت به تکرار جرم مبادرت و مراحل قضائی برای صدور حکم و اجرای آن چون طول خواهد کشید؛ بنابراین با خیال راحت به تخلفات خود ادامه می‌دهند.

Ø یکی از فرصت‌هایی که در مناطق ممنوعه برای اخذ مجوز حفر چاه ایجاد شده، مربوط به واحدهای دامداری و گلخانه‌ای است. تجربه ثابت کرده است که این مجوزها فقط برای اخذ مجوز حفر قانونی چاه بوده و بررسی‌ها حاکی از اضافه برداشت بیش از ۶۰ تا ۷۰ درصد این واحدها بوده و حتی به جرأت می‌توان ادعا کرد بیش از ۶۰ درصد این واحدها عملاً هیچ فعالیت دامداری یا گلخانه‌ای ندارند و فقط نسبت به استحصال بی‌رویه آب با اخذ مجوز برق اقدام و کشاورزی سنتی و پرمصرف (از نظر آب) را انجام می‌دهند یا در بسیاری از موارد مالکین از ارزش افزوده تبدیل اراضی دیمی اطراف چاه به آبی استفاده می‌کنند و با قیمت‌های کلان به فروش می‌رسانند.

Ø وجود انگیزه برای انجام تخلف و امکان صدور پروانه برای صاحبان چاه‌های غیرمجاز.

Ø عدم اجبار زمانی برای مراجعه متخلفان، به طور مثال قانون تعیین تکلیف مصوب سال ۱۳۸۹، متخلف هر زمان دل‌خواه، می‌تواند برای تعیین تکلیف مراجعه کند.

Ø بی‌توجهی به شرایط بحرانی آبخوان‌های کشور، تعریف نکردن جامع جرم و مجازات و نیز عدم تناسب بین جرم و مجازات.

Ø تفکیک نکردن نوع و سطح مجازات در مناطق آزاد و ممنوعه.

Ø نیاز نداشتن به کسب مجوز برای حفر چاه خانگی.

Ø نبود مکانیسم تعادل بخشی به دشت‌های ممنوعه.

Ø اشکالات اساسی در اجرای قانون تعیین و تکلیف چاه‌های بدون پروانه مصوب سال ۸۹ و همچنین آیین‌نامه اجرایی و دستورالعمل‌های صادره توسط وزارت نیرو به طوری که اجرای این قانون زمینه تخلف را برای متخلفان به منابع آب فراهم می‌کند.

Ø وجود تعداد زیادی از چاه‌های غیرمجاز بدون پرونده قضایی و بلا تکلیفی آن‌ها.

Ø مقدس جلوه دادن باغ‌ها و ممانعت از پرکردن چاه‌های غیرمجاز.

Ø عدم قاطعیت در اجرای احکام صادره برای پر و مسلوب المنفعه کردن چاه‌های غیرمجاز.

Ø وجود تعداد زیادی از چاه‌های غیرمجاز که احکام قطعی برای آن‌ها صادر شده، ولی اجرا نشده است.

Ø رسیدگی نکردن مراجع قضایی به پرونده‌های چاه‌های محفوره غیرمجاز (در خصوص مصارف شرب، دامداری، صنعتی و ...) به علت ثبت نام مالکین چاه‌ها در سایت مربوط به کمیسیون آب‌های زیرزمینی: برابر ماده واحده قانون تعیین تکلیف چاه‌های بدون پروانه فقط چاه‌های با مصارف کشاورزی قابلیت رسیدگی در کمیسیون آب‌های زیرزمینی را دارند و مراجع قضایی نباید فقط بر مبنای ثبت نام ایشان در سایت مذکور، از رسیدگی به پرونده‌های چاه‌های غیرمجاز سایر مصارف نیز خودداری کنند.

Ø اختلاف نظر در خصوص مقوله اعاده به وضع سابق و شیوه آن در خصوص چاه‌های واجد پروانه بهره‌برداری که صاحبان آن‌ها مرتکب بهره‌برداری غیرمجاز می‌شوند. در قانون اعاده به وضع سابق را به صراحت اعلام کرده و بر اساس این امر باید با فشارهای قانونی بوسیله مالک و در صورت همکاری نکرده، توسط دولت با اخذ هزینه‌های آن از مالک انجام شود؛ لکن متاسفانه در سطح وزارت نیرو سالانه میلیاردها تومان به صورت مستقیم و غیرمستقیم صرف این امور شده و ضرر متخلفان در حداقل ممکن است. در مواردی که شخصی در پر و مسلوب المنفعه کردن چاه همکاری نکنند تکلیفی یا جریمه خاصی مشخص نشده و انجام نمی‌شود.

در سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۴، کماکان در شرایط کنونی بیش از ۲۵۰ هزار حلقه چاه غیرمجاز موجود است و انگیزه برای تداوم این اقدام و افزایش تخلفات به دلایل مشروحه، وجود داشته باشد.

در قانون توزیع عادلانه آب حکم جدیدی در خصوص مالکیت خصوصی بر منابع آب وضع نشده است جز اینکه آب‌های زیرزمینی به طور مطلق از جمله مشترکات اعلام شده‌اند اعم از این‌که این آب‌ها در زیر اراضی خصوصی باشند یا اراضی عمومی و اشخاص می‌توانند پس از کسب مجوز از دولت نسبت به تملک این آب‌ها اقدام کنند. در واقع آن‌چه با تصویب قوانین جدید دستخوش تغییر شده است موضوع تخصیص منابع آب است نه مالکیت، و مالکیت خصوصی بر منابع آب همچنان به قوت خود باقی است؛ با این حال تصور مالکیت بر آب‌ها در قانون توزیع عادلانه آب به معنای مالکیت مطلق و بی‌حساب مالکیان نیست.

از آنجا که ماهیت سیال آب‌های زیرزمینی مانع از آن می‌شود که دارنده حق بتواند بر منبع موجود در زیر زمین تصاحب فیزیکی داشته باشد، می‌توان گفت قواعد سنتی استفاده از آب‌های زیرزمینی هیچ‌گونه حق مالکانه‌ای که امکان توسل دارنده حق به یک سیستم حقوقی را فراهم کند ایجاد نمی‌کنند.

در این زمینه می‌توان پیشنهادهای زیر را مطرح کرد:

❖ تسریع در اصلاح نواقص قانونی با بهره‌گیری از تجارب گذشته.

❖ تصویب قوانین جدید و اصلاح قوانین موجود با در نظر گرفتن شرایط متفاوت آب و هوایی هر منطقه.

❖ از هرگونه اقدامی که ارائه تسهیلات و همکاری با چاه‌های غیرمجاز به‌ویژه در دشت‌های بدون پتانسیل و مواجه با بحران را ایجاد می‌کند، خودداری شود.

❖ همکاری و همراهی مقامات کشوری و لشکری و قوای سه‌گانه با دستگاه‌های مسئول در اجرایی کردن موارد مربوط.

❖ ارائه نقشه راه مدیریت ویژه شرایط مختلف بحران‌های آب‌های زیرزمینی.

❖ نظارت مستمر و کارآمد بر اجرای قوانین و مقررات مربوطه.

❖ ضعف و نقص قانون در برخورد با متخلفان در ارتکاب به حفر و بهره‌برداری غیرمجاز.

### جبران خسارت

هرگاه در اثر بهره‌برداری از چاه یا قنات تازه احداث شده در اراضی غیر محیا آب منابع مجاور نقصان یابد یا خشک شود، قانون‌گذار سه روش را برای جبران خسارت وارده پیش‌بینی کرده است. این سه روش به ترتیب عبارتند از: ۱- پرداخت هزینه‌های حفر چاه جدید به جای چاه سابق یا کف شکنی چاه قدیمی از سوی مالک منبع جدید به مالک منبع سابق؛ ۲- تحویل مقداری آب به مالک منبع سابق از محل آب حاصله از منبع جدید و ۳- تقلیل آب منبع جدید تا حدی که تأثیر سوء بر منبع سابق از بین برود.

در قوانین ایران امکان جلوگیری از برداشت‌هایی که ممکن است مزاحم مصارف سابق باشد، پیش‌بینی شده است. در حقوق ایران این امکان مربوط به بعد از حفر چاه و قنات و مشخص شدن ضرر وارده است. با این حال در صورت پیش‌بینی ورود ضرر، اشکالی در اعتراض به تصمیم وزارت نیرو و متوقف کردن اقدامات متقاضیان جدید از طریق نهاد دستور موقت وجود ندارد.

### نتیجه‌گیری

اکثر مناطق کشور خشک و نیمه‌خشک ایران چشمه‌های پر آب و رودهای دائمی ندارند و تنها راه باقیمانده استفاده از منابع آب‌های زیرزمینی است بررسی‌ها نشان داد که قانون‌گذار بسیار کندتر از تحولات قدم برداشته است. تغییرات پی در پی نشان‌دهنده متراکم شدن روز افزون ضرورت‌ها و مشکلات و از سوی دیگر نبود نگاه و برنامه‌ریزی آینده‌نگر و کلان مدت سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران است.

منابع آب‌های زیرزمینی در نظام حقوق ما از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و قوانین مختلفی تهیه و تدوین شده است؛ ولی سیر تاریخی تغییرات قوانین آب از سال ۱۳۰۷ تاکنون، نه تنها متناسب با شرایط روز نبوده، بلکه موجب افزایش تخلفات و کاهش قدرت و اقتدار حاکمیت بر آب نیز شده است. روندی که با قانون توزیع عادلانه آب و قوانین بعدی شروع و تقویت شده، موجب شده است که علی‌رغم تعیین تکلیف تعداد زیادی از چاه‌های غیرمجاز

## منابع

۱. بابائی ا. ۱۳۵۹. حقوق آب در ایران و مقایسه مباحث اساسی آن با حقوق آب چند کشور خارجی. جلد اول. ۱۰۶ ص.
۲. ذوالفقاری ی. ۱۳۹۰. حقوق آب، مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران. ۱۰۰-۱۶۸ ص.
۳. رشیدی ح. ۱۳۸۲. قانون توزیع عادلانه آب در آیین حقوق ایران، دوره دو جلدی، نشر دادگستر، تهران. ۳۴۴ ص.
۴. قانون آب نحوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷.
۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸.
۶. قانون تعیین تکلیف چاههای آب فاقد پروانه بهره‌برداری مصوب ۱۳۸۹.
۷. قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱.
۸. قانون مدنی ایران مصوب ۱۳۰۷.
۹. کاتوزیان ن. ۱۳۸۲. دوره مقدماتی حقوق مدنی اموال و مالکیت، نشر میزان، تهران، ۶۸ ص.
۱۰. کاتوزیان ن. ۱۳۷۷. قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران، انتشارات دادگستر، چاپ دوم. ۱۴۰ ص.
۱۱. کردوانی پ. ۱۳۸۷. منابع و مسائل آب در ایران. جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران. ۱۹۷ ص.
۱۲. لطیف‌پور ه. ۱۳۹۴. مطالعه تطبیقی حق بهره‌برداری اشخاص از منابع آب شیرین، کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران. ۷۷ ص.
۱۳. لنگرودی م. ۱۳۹۱. مبسوط در ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چاپ پنجم. ۳۵۶ ص.
۱۴. مظاهری م. و عبدالمنافی جهرمی ن. ۱۳۹۴. گزارش بررسی تحولات قوانین بخش آب و تأثیر آن بر منابع زیرزمینی، شماره مسلسل ۱۴۳۰۹، معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. ۳-۸.